

نقش پیامبران در حرکت انسانی ما چیست؟ ضرورت این نقش از کجا مشخص می‌شود؟

آیا می‌توان نقش پیامبران را در رسیدن به مقصد نادیده گرفت؟

خدای حکیمی که کمال مطلق است، ما را در محیط پر فراز و نشیب دنیا بدون اینکه بدانیم، از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم، به حال خود رها نکرده است. حکمت و مهربانی این معشوق مهربان اقتضا می‌کند که به ضرورت نقش پیامبران برای سعادت ما توجه کرده و لحظه‌ای ما را بدون راهنمای معصوم و متخصص رها نکند. در واقع به همین دلیل است که آفرینش اولین انسان با بعثت اولین پیامبر یعنی حضرت آدم (علیه‌السلام) مصادف شده است. برای درک اهمیت نقش پیامبران در زندگی بیابید مثالی را با هم مرور کنیم.

در خیال خود سفر به یکی از شگفت‌انگیزترین و در عین حال صعب‌العبورترین کوهستان‌های موجود بر روی کره زمین را تصور کنید. طبیعتاً هدف ما از این سفر صعود به قله است، اما هیچ شناختی نسبت به این کوهستان و ویژگی‌های آن نداریم؛ در واقع اصلاً نمی‌دانیم این قله در کجای کوهستان واقع شده و برای رسیدن به آن چه مسیری را باید طی کنیم. می‌خواهیم خودمان را به ابزار و وسایل مورد نیاز در این سفر مجهز کنیم، اما هیچ اطلاعاتی از شرایط مسیر در دست ما نیست. اطلاعات ما در حد یک نمای کلی از کوهستان بوده و شناختی راجع به جزئیات آن نداریم. نمی‌دانیم کجای آن سنگلاخی و صخره‌ای بوده و کجا پوشیده از برف است؟ تغییرات دمایی و جوی به چه صورت است؟ چه خطراتی در مسیر ما را تهدید می‌کند و چه دست‌آوردی در انتها نصیب ما می‌شود؟

با این اوصاف احتمالاً حتی حاضر نیستیم در خیال خود به این سفر برویم؛ چون پایانی که برای خود تصور می‌کنیم چیزی جز مرگ، سقوط و تلف شدن نیست.

حالا اجازه بدهید کمی شرایط را تغییر دهیم. تصور کنید یک فرد کارکشته و راه‌بلد به جمع ما اضافه شده که به صفر تا صد این مسیر آگاه است. نه تنها به مسیر کوهستان و تمام شرایط آن اشراف کامل دارد، بلکه نقشه راهی با خود آورده که تمام

قواعد و ملزومات موفق شدن در این سفر و سالم رسیدن به قله در آن موجود است. طبیعتاً با این شرایط دید ما هم به سفر تغییر کرده و حالا پایان خوشی را برای خود تصور می‌کنیم.

اگر خوب دقت کنیم متوجه می‌شویم که آمدن ما به دنیا و شرایطی که در محیط نا‌آشنای آن داریم، مشابه همین سفر است. در واقع قصد ما از تصور این سفر، پی بردن به ضرورت وجود و اهمیت نقش پیامبران در زندگی انسان است.

چرا انسان به پیامبران نیاز دارد؟

قطعاً خداوند بهتر از هر کسی می‌دانسته، که نیازهای ما در دنیا و در طول مسیر زندگی چیست و چه خطراتی ما را تهدید می‌کند. هدف غایی و دستاوردی که سفر زندگی و حرکت دایره‌وار ما از مبداء تا مبداء در پی دارد را خود او مشخص کرده و از همه مهمتر به ساختار وجود ما آگاه است. به همین دلیل هم ما را مجهز به پیامبری درونی به نام عقل کرده است، تا راه را از چاه تشخیص دهیم.

از آن‌جا که عقل تنها در چهارچوب ماده عمل می‌کند و دارای محدودیت است، توانایی دستیابی و تشخیص در امور غیرمادی را ندارد. پس طبیعی‌ست که در مورد نیازهای بُعد اصلی و انسانی ما حرفی برای گفتن نداشته باشد. در حقیقت اینجاست که ضرورت نقش پیامبران و وجود پیامبری بیرونی برای در زندگی انسان احساس می‌شود. همان انسان‌هایی که خدا آنها را از بین بنده‌های شایسته‌اش انتخاب کرده و به علوم و ابزارهای که ما برای سالم پیمودن این مسیر به آن نیاز داریم، مجهز کرده است. پیامبرانی که کاملاً به مسیر حرکت، شرایط و ساختار وجودی ما مسلط هستند؛ می‌دانند که ما کی، کجا و به چه ترتیبی باید عمل کنیم تا تولدی سالم به آخرت داشته و از امکانات و شگفتی‌های ابدی آن استفاده کنیم و از همه مهم‌تر، این علم و ابزار را کاملاً بی‌منت، بدون هیچ چشم‌داشت و در نهایت مهربانی و از خود گذشتگی در اختیار ما قرار می‌دهند. در واقع در شرایطی که ما دسترسی مستقیمی به سازنده خود نداریم، پیامبران و در نبود آنها امامان، تنها منبع و واسطه ارتباطی ما با خدا محسوب می‌شوند.

لازمه هدایت و سرپرستی انسان‌ها

از آنجا که مسیر حرکت انسان از آخرت به دنیا و بازگشت او از دنیا به آخرت، مسیر پیچیده و خطیریست، راهنمای آن هم باید از ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی برخوردار باشد. ویژگی‌هایی که او را تبدیل به فردی قابل اعتماد برای پذیرفتن هدایت و سرپرستی انسان‌ها در مسیر رسیدن به مقصد کند. شاید برجسته‌ترین ویژگی برای این مسئولیت، مصون بودن از خطا و اشتباه یا همان مجهز بودن به عصمت است.

بیایید به مثال کوهستان برگردیم؛ فرض کنید که راهنمای ما در مسیر پیمودن قله امکان خطا و اشتباه دارد. به مسیر آشنایی کاملی ندارد و ممکن است ما را از جایی ببرد که برایمان ایمن نیست، یا از روی خطا و به طور غیرعمد تصمیمی بگیرد که جان و هستی ما را به خطر بیندازد. در این شرایط قطعاً به او اعتماد کمتری می‌کنیم. در حقیقت هر چه امکان این اشتباهات و خطاها بیشتر باشد، ما در سپردن رهبری سفر و هدایت گروه‌مان به او بیشتر تردید می‌کنیم.

مسئله راهنما حتی در این مثال فرضی هم از اهمیت زیادی برخوردار است، چه برسد به اینکه قرار باشد هدایت تمام زندگی خود، امور کلی و تصمیم‌گیری در مورد جزئیات مسیر حرکت انسانی خود را به او بسپاریم. مسیری که تنها یک‌بار فرصت طی کردن آن را داشته و تنها سرمایه ماست.

قطعاً در این مسیر به افرادی نیاز داریم که نه تنها مطابق با خواست خدا از هرگونه خطا و اشتباه به دورند، بلکه از سوی سازنده ما به ما معرفی شده و در مسیر رسیدن مان به هدف خلقت، مشتاقانه و دلسوزانه از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌ورزند. در حقیقت ما تنها با فکر کردن به ابعاد مسیر حرکت مان و ویژگی‌های که دارد، می‌توانیم به نقش پیامبران و ضرورت وجود راهنمایی معصوم در این مسیر پی ببریم.

ما در این مقاله به اهمیت وجود راهنما و نقش پیامبران در طی کردن مسیر حرکت انسانی خود پرداختیم. گفتیم که پیمودن مسیری پرخطر بدون وجود راهنمایی کاربرد منجر به شکست و عدم موفقیت ما خواهد شد، اما تنها وجود راهنما کافی نیست،

ما در حقیقت نیاز به راهنمایی دلسوز و به دور از خطا و اشتباه داریم تا ما را سالم به مقصد برسانند. مسیر حرکت انسانی ما به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، جایی است که نقش پیامبران و اهمیت وجود آنها بیش از پیش مشخص می‌شود. آیا شما هم اهمیت وجود و نقش پیامبران در این مسیر را تأیید می‌کنید؟ بی‌صبرانه منتظر خواندن نظرات شما در این باره هستیم.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer